آینه

آرمان

حذف دفاتر بانوان در دولت با چه هدفی؟

● **زهرا شجاعی:** نزدیک ۲۰ سال از تأسیس دفتر امور زنان در آموزش‌وپرورش می‌گذرد و باید پیش از هر تصمیمی به کارنامه عملکرد این دفتر مراجعه داشته باشند. در اکثر شاخص‌های آموزشی دختران در دوره درخشان و طلایی که خانم تندگویان مسئولیت این دفتر را برعهده داشتند و در دوره اصلاحات ارتقا داشتیم و طرح‌های مختلفی برای مناطق محروم و توسعه‌نیافته برای دختران برنامه‌ریزی و اجرا شد که ارزشمند است. متأسفانه در رقابت‌های مدیریتی که آقایان با خانم‌ها دارند و براساس سیاست دولت مبنی بر کوچک و چابک‌سازی دستگاه‌ها، همواره زنان مظلوم‌ترین افراد بودند و حالا هم در اصلاح ساختار تشکیلاتی، مظلوم‌ترین بخش مربوط به زنان است که می‌گویند باید ادغام، کوچک و حذف شود یا در معاونت دیگری ادغام شود که قطعا اختیار، قدرت و حوزه نفوذ کمتر خواهد شد و به مصلحت نظام نیست. بارها گفتم اگر در مورد مسائل زنان صحبت می‌کنیم، از باب مصالح و منافع ملی است و نه از باب مصلحت صنفی چون زنان اصلا صنف نیستند.

اعتماد

دودی به چشم دشمنان

● **علی میرفتاح:** ما نیاز داریم تا نخبگان جامعه احساس دلگرمی کنند، به میدان بیایند، میدان‌داری کنند، چراغ دانایی و کار و تلاش و اتحاد را در دل‌ها بیفروزند و... اما صدرحمت به میدان جنگ. از هر طرف تیر بلا بر سر دلسوزان و کاردانان می‌بارد؛ گاهی به بهانه‌های واهی سیاسی، گاهی با شوخی‌های رکیک و ناجوانمردانه و گاهی به اسم نقد بی‌پروا، استاد و دانشجو و سرمایه‌گذار و مخترع و هنرمند را از صرافت میانداری و کار و پیشرفت می‌اندازند و خانه‌نشین می‌کنند. خیلی‌ها را می‌شناسم که از ترس همین شوخی‌سازان مخفی و حمله‌کننده‌های مجازی و هتاکان بی‌نام‌ونشان، عطای کار و سازندگی و تلاش را به لقای بدنامی و سرزبان‌ها افتادن و مسخره‌شدن و متهم‌شدن بخشیده‌اند و رفته‌اند به کناری تا از نام و ناموس و آبروی خود و خانواده خود حفظ و حراست کنند... اما خدا را شکر با وجود گسترش بی‌حساب‌وکتاب آلودگی و لودگی همچنان مجال شوخی سالم و خنده امیدبخش و شادکامی فراهم است و انسان‌های سالم و خیرخواه و خنده‌رو به کمک طنز و طیبت مفید، سختی‌های زندگی و کار را بر خود هموار می‌سازند... من اگر جای رسانه‌های رسمی بودم یا حرفم در صداوسیما خریدار داشت، خواهش می‌کردم رقص و شوخی و خنده سربازان را در شبکه‌های داخلی و بین‌المللی بازپخش کنند تا دشمنان این کشور بدانند که تهدیدات و تحریم‌هایشان چقدر مؤثر افتاده و نقشه و توطئه‌هایشان چقدر این مردم را غمگین و ناامید کرده.

شهروند

ویژگی منحصربه‌فرد هاشمی، حتی بعد از مرگ

● **رسول بهروش:** طبیعی است که نقدها و نظرها در مورد هاشمی متفاوت و بعضا متنافر باشد. به‌هرحال او در ۴۰ سال گذشته نقش‌های اساسی در کشور ایفا کرد و هر حرکتش موافقان و مخالفان پرشمار دارد. با این‌همه به نظر می‌رسد هاشمی‌رفسنجانی از دوران حیاتش واجد یک ویژگی ممتاز و نسبتا منحصربه‌فرد بود که این ویژگی حتی حالا، دو سال بعد از مرگش هم برای او حفظ شده است؛ مسئله به نقد بدون مرز از هاشمی مربوط می‌شود. رئیس فقید مجمع تشخیص مصلحت نظام در دوران حیاتش و مخصوصا از میانه‌های دهه ۷۰ به‌راحتی و با کمترین هزینه مورد نقد گسترده قرار گرفت. اینکه همه آن حرف‌ها حقش بود یا نه، باز بحث جداگانه‌ای است؛ اما کمتر کسی به یاد می‌آورد که انتقاد از او و زیرسؤال‌بردنش از ابعاد و جنبه‌های مختلف کاری دشوار و پرمخاطره بوده باشد؛ به‌ویژه هرچه به روزهای پایانی عمر هاشمی نزدیک‌تر شدیم، عرصه نقد بر او بازتر شد؛ آن‌قدر که مطبوعات و سایت‌ها کاملا آزاد بودند، رسانه‌های غیررسمی و فیلترشده رویه خودشان را داشتند و حتی صداوسیما هم یک گوشه کار را دست گرفته بود.

کیهان

جریان‌های خطرناک و عمل انقلابی!

● رئیس‌جمهور گفته «برای حل مشکلات اقتصادی باید در عمل انقلابی بود»، اما آقای روحانی پاسخ دهند کدام اقدام دولت تاکنون انقلابی بوده است؟ در مقابل بلعیده‌شدن منابع کشور توسط شرکت‌های دولتی و «یک قبیله و یک پدرومادر پشت بودجه این شرکت‌ها»!، انقلابی عمل کردید یا برای شفاف‌سازی یارانه‌های پنهان؟ در برخورد با حلقه مفسدان و رانت‌خواران اقتصادیِ گرد آمدهِ اطراف دولت، انقلابی عمل کردید یا در برخورد با عناصر قدرت و وابستگانشان که با سیاست‌گذاری در بخش‌های دولتی و خصوصی نمونه‌های بارز فسادند و در کشور فعال مایشاء هستند؟ در برخورد با حقوق‌های نجومی‌بگیر که آنان را ذخیره انقلاب خواندید، انقلابی عمل کردید یا با ابربدهکاران بانکی؟ در برجام و امید بستن به تضمین جان کری انقلابی عمل کردید یا در مقابل نقض عهدها و تهدیدات و دلقک‌بازی‌های آمریکایی‌ها و پاره‌کردن برجام؟

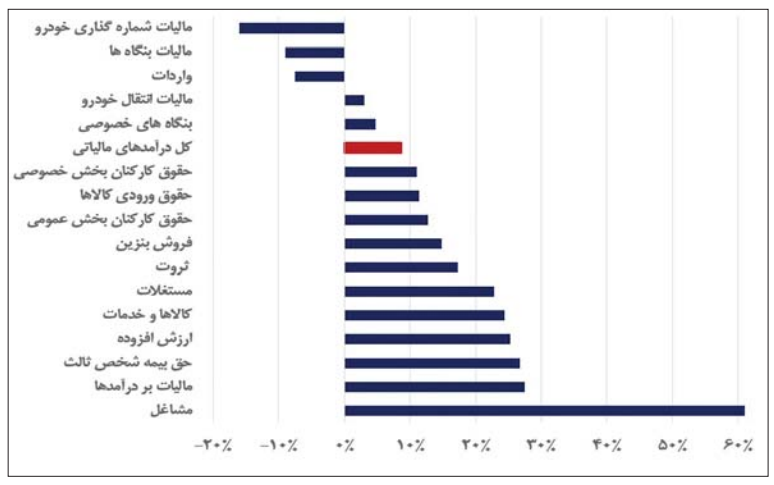

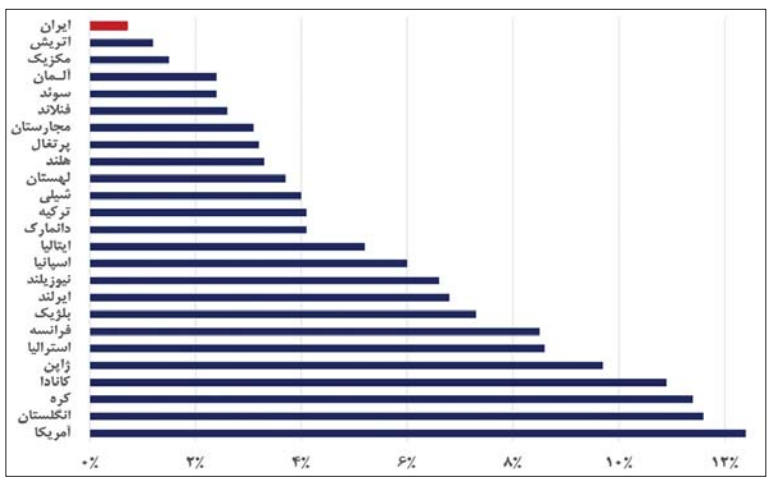

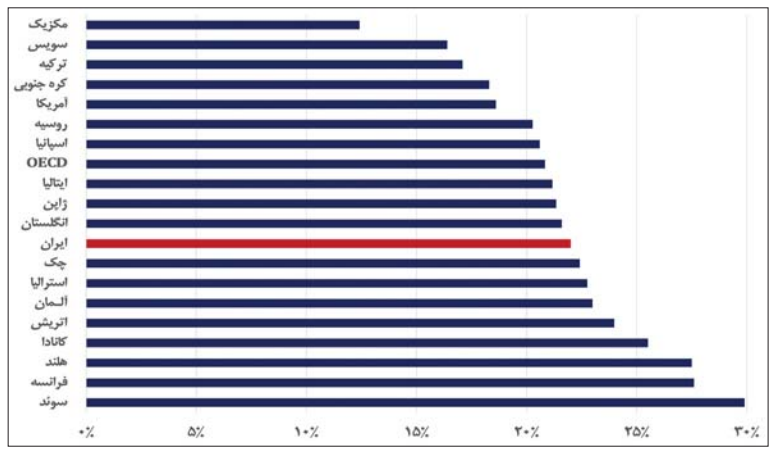

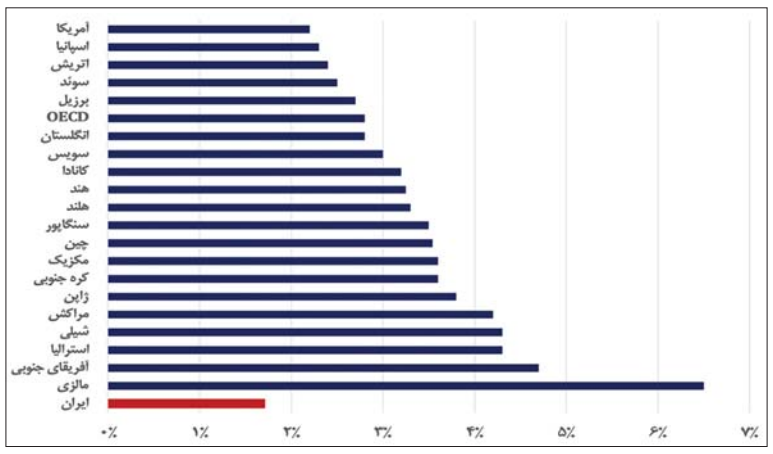

رانت‌های سه‌گانه خصولتی

ادامه از صفحه ۴

... ۱) عایدی سرمایه (ارزش افزوده زمین)، ۲) زمین بایر، ۳) خانه‌های خالی، ۴) ساختمان‌های نیمه‌ساز، ۵) مسکن مازاد (املاک مازاد بر احتیاج یک خانوار)، ۶) مسکن لوکس و ویلا (بر اساس سطح زیربنا، منطقه و...)، ۷) ارزش افزوده تولید ساختمان، ۸) محیط زیست از ساختمان‌های ویلایی واقع در مناطقی از قبیل جنگل‌ها و کناره رودخانه‌ها، ۹) اراضی کشاورزی از ساختمان‌های مسکونی و به‌خصوص غیرمسکونی، واقع در اراضی کشاورزی، ۱۰) نقل‌وانتقال (واقعی‌سازی)، ۱۱) ارث املاک و ۱۲) اجاره ساختمان (واقعی و منطقی‌سازی). در چین مالیات‌های متنوعی بر زمین و ساختمان وضع شده است. این مالیات‌ها شامل موارد متنوعی از قبیل منابع، نگهداری شهری و ساخت‌وساز، مسکن، املاک شهری، استفاده از زمین شهری، ارزش افزوده زمین و تصاحب زمین کشاورزی می‌شود. در مقایسه با چین، اگر مالیات‌های زمین و مسکن مشابهی در ایران اخذ می‌شد، درآمد سالانه آن به حدود ۱۰ درصد درآمد اقتصادی (تولید ناخالص داخلی) یا حجم کل مالیات وصولی کشور بالغ می‌شد. همچنین اگر در حد و اندازه سهم مالیات مستغلات از اقتصاد کشورهایی مانند ژاپن، فرانسه یا انگلستان، در ایران این مالیات وصول شود، ۲۰ درصد از بودجه عمومی لایحه سال ۱۳۹۸ پوشش داده خواهد شد. نظر به وجود بازار سنتی خرده‌فروشی نامتشکل و دشواری‌های دیگر، بخش قابل‌توجهی از مالیات ارزش افزوده (مهم‌ترین قلم مالیاتی) که در اصل مالیات مصرف است، از تولیدکنندگان کالاهای مصرفی و نهایی داخلی که عمدتا شامل صنایع کوچک و متوسط هستند اخذ می‌شود. اخذ مالیات و عوارض شرکتی، واردات و/ یا ارزش افزوده از مواد اولیه و خام مصرفی تولیدکنندگان صنایع کوچک و متوسط کشور و معافیت صادرات از این مالیات‌ها موجب شده که این تولیدکنندگان در شرایط کاملا غیررقابتی و نابرابر نسبت به رقبای خارجی قرار گیرند. به‌طورکلی در لایحه بودجه سال ۱۳۹۸، نه‌تنها منابع درآمدی مالیاتی جدید از صاحبان درآمدهای بالا ایجاد نشده که برندگان شرایط رانتی سال ۱۳۹۷ (با بیشترین بهره‌مندی از اقتصاد کشور) نیز از مالیات معاف شده‌اند و در نتیجه سهم مالیات‌ها از بودجه رشد نیافته است. نکته حائز اهمیت برخورد دوگانه مالیاتی دولت بین فرادستان و حقوق‌بگیران است، چنانچه با وجود کاهش شدید ارزش پول ملی، سقف معافیت مالیاتی سالانه حقوق‌بگیران به میزان ۲۷،۶ میلیون تومان (ماهانه ۲،۳ میلیون تومان) در بودجه مصوب سال ۱۳۹۷، در لایحه بودجه سال ۱۳۹۸ کماکان ثابت باقی مانده است.

دستمزدهای ناچیز

در لایحه بودجه سال ۱۳۹۸، با وجود اینکه اظهار می‌شود حقوق کارکنان دولت حدود ۲۰ درصد افزایش یافته است، اما با توجه به برآورد تورم تجمعی کالاها و خدمات مصرفی بین ۶۰ تا ۷۰ درصد در سال‌های ۱۳۹۷ و ۱۳۹۸، افزایش تجمعی حقوق و دستمزد به میزان ۳۰ درصد جواب‌گوی افزایش قیمت‌ها نخواهد بود. نسبت حقوق و دستمزد کارکنان دولت به تولید ناخالص داخلی حدود پنج درصد در سال ۱۳۹۸ خواهد بود که نزدیک به نصف نسبت سال‌های دهه ۸۰ و همچنین بسیاری از کشورهای جهان (به‌ویژه توسعه‌یافته) است. در لایحه بودجه سال ۱۳۹۸، سهم حقوق و دستمزد از کل مخارج عمومی دولت ۲۰ درصد است. کاهش شدید ارزش حقیقی حقوق و دستمزدها و سهم آن از اقتصاد کشور، اثر مالیات تورمی ناشی از شوک ارزی را به‌وضوح نشان می‌دهد. موضوع کلیدی این است که کاهش سهم حقوق‌بگیران از اقتصاد در مقابل کم‌وبیش متناسب با افزایش سهم گروه‌های اقتصادی بهره‌مند از رانت افزایش نرخ ارز و منافع حاصله از بی‌ثباتی اقتصاد کلان کشور است که در این حال از معافیت‌های مالیاتی بیشتر و گسترده‌تر برخوردار شده‌اند. به همین علت است که مالیات تورمی بدترین نوع مالیات محسوب می‌شود، زیرا روی اقشار متوسط و ضعیف متمرکز شده و به‌نفع فرادستان تمام می‌شود. در لایحه بودجه سال ۱۳۹۸، سهم رفاه اجتماعی و حقوق و دستمزد کارکنان دولت از کل مخارج دولت ۴۶ درصد است. باید توجه داشت که با توجه به افزایش تورمی حجم اسمی اقتصاد در سال‌های ۱۳۹۷ و ۱۳۹۸، هم سهم مخارج دولت از کل اقتصاد (در حدود ۲۰ درصد) و هم مجموع سهم رفاه اجتماعی و حقوق و دستمزد کارکنان دولت از کل مخارج دولت (و به همین ترتیب حجم اقتصاد) کاهش یافته و نسبت به کشورهای توسعه‌یافته بالا نیست.

استقراض فسادآور

در لایحه بودجه سال ۱۳۹۸، تا حدی حجم و تنوع استقراض افزایش پیدا کرده است و مجموع حجم اوراق مالی منتشره از سوی دولت، شرکت‌های دولتی و شهرداری‌ها به ۷۳ هزار میلیارد تومان بالغ می‌شود. علاوه بر اوراق مالی، مجوز بهادارسازی بخشی از بدهی‌های دولت به بانک‌ها صادر شده است که هر چند در جمع بدهی‌های دولت تغییری ایجاد نمی‌کند، اما آنها را به تعهد پرداخت و بار مالی بودجه‌ای در یک تا سه سال آینده تبدیل می‌کند. موضوع قابل‌توجه استقراض وزارت صنعت، معدن و تجارت برای طرح‌های توسعه‌ای صنعتی و معدنی است؛ آن هم در شرایطی که با افزایش نرخ ارز و معافیت مالیاتی از طریق انتقال سود حساب سرمایه، سازمان‌های تحت پوشش این وزارتخانه مانند سازمان توسعه و نوسازی معادن و صنایع معدنی ایران که بخش اعظم معادن و صنایع بزرگ معدنی و فلزات اساسی را مدیریت می‌کند، منافع کلانی را تحصیل کرده‌اند. رویکرد ۳۰ساله دولت در بخش صنعت و معدن ایجاد واحدهای صنعتی و معدنی (معمولا ناکارآمد و با هزینه بالا) و سپس واگذاری آن با بهای زیر قیمت به بخش به‌اصطلاح خصوصی است. یکی از مهم‌ترین اشکالات تأمین منابع مالی از طریق استقراض در اقتصاد ایران این است که نظر به فساد و ناکارآمدی دستگاه‌ها و سایر عوامل (مانند سیاسی)، در عمل منجر به بزرگ‌ترشدن سهم بخش‌های دولتی و شبه‌دولتی می‌شود. در نتیجه منابع مالی کشور از دسترس بخش خصوصی واقعی خارج شده و به سمت بخش‌های دولتی، شبه‌دولتی و شبه‌خصوصی هدایت می‌شود. یکی از کارکردهای بسیار مخرب استقراض در اقتصاد ایران خلق نقدینگی است که از طریق افزایش پایه پولی (استقراض دولت یا بانک‌ها از بانک مرکزی) یا ضریب فزاینده نقدینگی (ایجاد نقدینگی از سوی بانک‌ها) عمل می‌کند.

در هفت‌ماهه سال جاری چه کرده‌ایم؟

عملکرد هفت‌ماهه بودجه سال ۱۳۹۷ نشان می‌دهد که بر حسب منابع، ۳۷ درصد از محل فروش نفت، ۳۱ درصد از محل مالیات‌ها و ۲۵ درصد از محل استقراض تأمین شده و بر حسب مصارف ۷۸ درصد صرف پرداخت‌های هزینه‌ای، ۱۶ درصد صرف طرح‌های عمرانی و شش درصد صرف پرداخت بدهی‌های دولت شده است. در این مدت حدود ۴۰ هزار میلیارد تومان به بدهی‌های دولت افزوده شده که دو برابر میزان مصوب است. در هفت‌ماهه سال ۱۳۹۷ نسبت به مدت مشابه در سال ۱۳۹۶، منابع و مصارف بودجه عمومی دچار تحولات زیر شده‌اند:

- مصارف بودجه عمومی (مخارج دولت) ۳۱ درصد بالا رفته که در این میان پرداخت‌های هزینه‌ای حدود ۲۱ درصد، تملک دارایی‌های سرمایه‌ای (طرح‌های عمرانی) ۱۲۲ درصد و تملک دارایی‌های مالی منفی ۱۵ درصد تغییر داشته است.

- منابع بودجه عمومی (درآمدهای دولت) ۲۳ درصد افزایش یافته است که عوامل مسلط منابع حاصل از نفت و فراورده‌ها با ۵۵ درصد رشد (و سهم ۶۱ درصد) و واگذاری دارایی‌های مالی (استقراض) با ۴۳ درصد رشد (و سهم ۳۵ درصد) هستند. کل درآمدهای مالیاتی ۱۴ درصد افزایش، اما مالیات اشخاص حقوقی ۱۱ درصد کاهش یافته است. افزایش درآمدهای مالیاتی ناشی از مالیات واردات و مالیات بر کالاها و خدمات است. سایر درآمدهای دولت کاهش قابل ملاحظه‌ای دارد. در هفت‌ماهه سال ۱۳۹۷ دولت مخارج خود (به‌ویژه طرح‌های عمرانی) را به‌شدت افزایش داد و درآمد آن را از محل افزایش درآمدهای نفتی (افزایش نرخ ارز و تا حدی بالارفتن قیمت نفت) و استقراض (همچنین پرداخت‌نکردن بدهی‌های قبلی) تأمین کرد. معافیت بخش قابل‌توجهی از بنگاه‌های بزرگ شبه‌دولتی و شبه‌خصوصی سودده از پرداخت مالیات (طبق ابلاغیه شورای عالی هماهنگی اقتصادی سه قوه) و از سوی دیگر تا حدی کاهش حاشیه سود و زیان‌دهی بنگاه‌های کوچک و متوسط، عوامل عدم تحقق و تنزل درآمدهای مالیاتی بنگاه‌های حقوقی به شمار می‌روند. کسری تراز عملیاتی و سرمایه‌ای در هفت‌ماهه سال ۱۳۹۷ به ۳۹ هزار میلیارد تومان بالغ شد که نسبت به مدت مشابه در سال قبل ۷۵ درصد افزایش یافته است. در این مدت اگر دولت اقدام به افزایش نرخ ارز و استقراض نکرده بود، فقط ۶۹ درصد از منابع درآمدی‌اش محقق شده بود.

مالیات نامرئی فرودستان

عملکرد هفت‌ماهه بودجه کشور در سال جاری نشان می‌دهد که سهم درآمدهای نفتی و استقراض به شدت بالا رفته و به‌ترتیب به ۳۷ و ۲۵ درصد کل منابع دولت بالغ شده است. سهم درآمدهای نفتی از درآمدهای دولت (بدون استقراض) از ۳۱ درصد در سال ۱۳۹۵ به ۵۰ درصد در سال ۱۳۹۷ افزایش یافته و در مقابل سهم درآمدهای مالیاتی از ۴۱ به ۳۱ درصد کاهش پیدا کرده است. به عبارتی در سال جاری بخش اصلی منابع بودجه دولت از محل فروش نفت و استقراض تأمین می‌شود. افزایش ۵۵درصدی منابع حاصل از نفت و فراورده‌ها در شرایط تحریمی به وضوح نشان می‌دهد که چگونه دولت با افزایش نرخ ارز در پی کسب درآمد بوده است. در لایحه بودجه سال ۱۳۹۸، منابع حاصل از نفت و فراورده‌های نفتی ۴۱ درصد رشد دارد که در شرایط تحریم‌های سنگین (و کاهش قیمت نفت) فقط می‌تواند از افزایش نرخ ارز حاصل شود. با وجود کاهش میزان استقراض دولت، ۲۵ هزار میلیارد تومان به بدهی دولت افزوده خواهد شد که برآورد می‌شود در صورت تأمین آن از سیستم بانکی، فقط این عامل می‌تواند حدود ۱۰ درصد به حجم نقدینگی در سال ۱۳۹۸ اضافه کند. خطای راهبردی بزرگ پنج‌ساله اخیر دولت استقراض از بانک‌ها و از سوی دیگر افزایش ۴۴درصدی ضریب فزاینده بود که منجر به ۵۰۰ هزار میلیارد تومان خلق نقدینگی توسط بانک‌ها شد. در شرایط کنونی با توجه به میزان نامتعارف و بالای ضریب فزاینده نقدینگی (۷،۲)، هر گونه استقراض مستقیم یا غیرمستقیم دولت از بانک‌ها یا بانک مرکزی منجر به افزایش شدید حجم نقدینگی خواهد شد، به‌صورتی‌که ۱۰ درصد استقراض بودجه عمومی، حدود ۲۰ درصد افزایش حجم نقدینگی را به دنبال خواهد داشت. به همین ترتیب استقراض شرکت‌های دولتی و شبه‌دولتی و دیگر بخش‌های اقتصادی با توجه به تنگنای اعتباری بانک‌ها و مؤسسات مالی مخاطره‌آمیز است. همچنین وضعیت خاص حدود نیمی از بانک‌های خصوصی به صورتی است که اگر اصلاحات نظام بانکی انجام نشود، آوار عظیم سیاست‌گذاری‌های مخرب اقتصادی و مالی پنج سال اخیر بر سر اقتصاد و دولت پایین خواهد آمد. نظر به معافیت گسترده مالیاتی بنگاه‌های بزرگ شبه‌دولتی و شبه‌خصوصی سودده که بیشترین سهم از رانت‌های متنوع (به ویژه منابع و انرژی) در اقتصاد را دارا هستند و از سوی دیگر استمرار و تشدید زیان‌دهی بنگاه‌های پایین‌دستی، درآمد مالیاتی بنگاه‌ها بیش از مقدار برآوردشده در لایحه بودجه در سال ۱۳۹۸ کاهش خواهد یافت. با توجه به تشدید رکود تورمی در سال ۱۳۹۸، مشخص نیست که افزایش ۶۱درصدی مالیات مشاغل از چه محلی تأمین خواهد شد، مگر اینکه مشاغل پردرآمدی مانند پزشکان تحت پوشش مالیاتی قرار گیرند. همچنین مالیات حقوق کارکنان بخش خصوصی رشد کمتری از آنچه در لایحه در نظر گرفته‌شده را تجربه خواهد کرد. نظر به کاهش درآمد و قدرت خرید عامه مردم، درآمدهای حاصل از فروش کالاها و خدمات و جرائم و خسارات از آنچه در بودجه پیش‌بینی شده کاهش بیشتری خواهد یافت. با سقوط ارزش پول ملی (در داخل و خارج از کشور) دستمزدها سقوط کرده، به‌صورتی‌که حداقل دستمزدها در حد کشورهای کمترتوسعه‌یافته آفریقایی تنزل یافته است. هم‌اکنون دستمزد یک کارگر (اگر کار داشته باشد و حقوق خود را دریافت کند) در حد یک‌سوم تا یک‌هشتم کشورهای نفتی همسایه و همچنین ترکیه و عراق کاهش پیدا کرده است. دولت با افزایش غیرواقعی و دستوری نرخ ارز و افزایش قیمت‌ها، در اصل دارد از مردم مالیات نامرئی تورمی می‌گیرد و به خودش و فرادستان یارانه افزایش نرخ ارز می‌دهد. افزایش سهم هزینه‌های رفاهی در لایحه بودجه سال ۱۳۹۸ و مفاد آن نشان می‌دهد با توجه به سازوکار حاکم بر اداره بنگاه‌های شبه‌دولتی، بخش غالب یا قابل توجهی از درآمدهای کلان حاصل از افزایش نرخ ارز و رانت‌های منابع و انرژی که به بنگاه‌های بالادستی (مانند هلدینگ‌ها و بنگاه‌های شستا یا ایمیدرو) تعلق می‌گیرد، به خزانه دولت یا صندوق‌های بازنشستگی واریز نمی‌شود. به عنوان مثال فقط حدود ۲۰ درصد سود خالص بزرگ‌ترین بنگاه صنعتی کشور (شرکت فولاد مبارکه) که در سال جاری بالغ بر ۱۰ هزار میلیارد تومان خواهد شد، به خزانه دولت واریز می‌شود. خصوصی‌سازی‌های ظاهری بنگاه‌های دولتی و سازوکار حاکم بر اداره بنگاه‌های شبه‌دولتی (به‌اصطلاح خصولتی) به‌تدریج به گونه‌ای سازمان یافته که این بنگاه‌ها به‌دور از هر گونه نظارت در هزینه و درآمد و خرج‌کرد خود عمل کنند، در همین حال بالاترین سهم از انواع رانت‌ها و تخصیص منابع اقتصاد کشور را ببرند و از سوی دیگر به انحای گوناگون از پرداخت مالیات معاف شوند. در همین شرایط به درآمدهای کلان بخش معدن نیز بهره مالکانه و حقوق دولتی اندکی تعلق می‌گیرد، چنانچه در لایحه بودجه درآمد چهار هزار میلیارد تومانی حاصل از جرائم رانندگی نزدیک به سه برابر درآمد هزارو۵۰۰ میلیارد تومانی حاصل از بهره مالکانه و حقوق دولتی معادن است. نفوذ بنگاه‌های رانتی شبه‌دولتی و شبه‌خصوصی در اقتصاد ایران که از تصدی‌گری دولت‌ها و درهم‌تنیدگی و تعارض منافع ریشه می‌گیرد، به مانع اصلی بر سر راه کسب درآمد لازم و کافی توسط دولت‌ها تبدیل شده که به تبع آن کسری بودجه و کسب درآمد از طریق مالیات تورمی را به دنبال دارد.

با وجود کاهش شدید ارزش پول ملی سقف معافیت مالیاتی سالانه حقوق‌بگیران (۲۷،۶ میلیون تومان) در لایحه بودجه سال ۱۳۹۸ نسبت به بودجه مصوب سال قبل تغییری نداشته است. در سال آینده درآمد ماهانه ۲،۳ میلیون تومان در شهرهای بزرگ به مفهوم زندگی در زیر سطح فقر است و در نتیجه دولت برای جبران معافیت‌های مالیاتی گسترده از فرادستان و بنگاه‌های بزرگ، اخذ مالیات از کسانی که زیر سطح فقر زندگی می‌کنند را در دستور کار خود قرار داده است. رشد حقیقی منفی مخارج خالص دولت در امور سلامت نیز نشان می‌دهد که در حوزه بهداشت و درمان وضعیت مردم بدتر خواهد شد. نکته کلیدی این است که یک واحد افزایش درآمد دولت از محل افزایش نرخ ارز، در عمل منجر به چند واحد افزایش هزینه مردم می‌شود، بنابراین هیچ‌گاه هیچ دولتی نخواهد توانست اثرات مخرب ناشی از تضعیف دستوری پول ملی بر زندگی، کسب‌وکار و معیشت مردم را جبران کند. موضوع حیاتی برای استمرار حیات اقتصادی، برگشت منافع و عواید حاصل از رانت افزایش نرخ ارز و بی‌ثباتی اقتصاد کلان در سال ۱۳۹۷ (و همچنین سال ۱۳۹۸) به خزانه دولت در سال ۱۳۹۸ است. چالش و مخاطره بزرگ اقتصاد ایران کمبود منابع درآمدی برای دولت نیست، چنان‌چه اگر رانت‌های متنوعی که به بخش‌های شبه‌دولتی و شبه‌خصوصی اعطا می‌شود کاهش پیدا کند و اخذ مالیات از صاحبان ثروت، منافع و درآمدهای کلان در دستور کار دولت قرار گیرد، نه‌تنها تنگنای مالی دولت برطرف خواهد شد، بلکه بدون نیاز به استقراض، منابع مالی جدید هم ایجاد خواهد شد.

ادامه در صفحه ۱۳

ادامه از صفحه ۴

نقاط تاریک بودجه ۹۸

وزارت دارایی باید با سیاست‌های مالی و بانک مرکزی با سیاست‌های پولی سبب اجرای راهبردها و رسیدن به اهداف برنامه شود اما کارکرد آنها با برنامه مغایرت دارد. به همین ترتیب جهاد کشاورزی؛ صنعت و نیرو و... سبب ترغیب بخش خصوصی به اجرای برنامه نمی‌شوند. بودجه دولت در این زمینه‌ها حرفی برای گفتن ندارد. آیا مجلس بررسی کرده است که سال آینده چه مقدار تأمین مالی ریالی از طریق تبدیل پول ارز حاصل از صادرات نفتی به ارزش بازار آزاد خودساخته خواهد بود؟ آیا مشخص شده که ۲۰ درصد رشد درآمدها و دریافتی کارکنان دولتی در سال آینده از کجا تأمین خواهد شد؟ اگر از این رشد نرخ ارز و کاهش شدید ارزش پول، اقتصاد دولتی در سطح قابل توجه منتفع می‌شود، آیا می‌توان نسبت به عوامل شوک ارزی به نقش و اراده بعضی کارگزاران شک کرد؟ آیا این بدهی‌های ریالی سنگین بخش دولتی به بانک‌ها از طریق همین تفاوت نرخ ارز جدید با قبل پرداخت نمی‌شود؟ اگر این سؤالات موضوعیت دارند، قطعا مجلس و کارگزاران دلسوز در دولت باید به مفاد یادشده حساس و به‌طور علمی و با مطالعه جویای راه‌حل باشند.

ادامه از صفحه اول

هتک حرمت کودکان کار در کرمان

بنابراین شایسته است با توجه به اهمیت موضوع و ازآنجاکه این امر مدنظر قانون‌گذار بوده است، سریعا پیگیری شود و فرد خاطی مطابق قانون مجازات شود تا دیگران نیز به اهمیت رفتار درست آگاه باشند. ضمن آنکه می‌توان با فرهنگ‌سازی و آموزش درست به کارکنان در راستای ایجاد محیطی امن و سالم اقدام کرد. بدیهی است که رسانه ملی نقش مهمی برای آگاه‌سازی از حقوق کودکان برعهده دارد که این امر مهم در یک نامه رسمی از ریاست صداوسیما درخواست شده است.

هژمونی هزارتو و هزارلایه

به‌طور مثال اوباما چندجانبه‌گرایی را در دستور کار قرار داد و اینک ترامپ به نحوی زورگویانه و درعین‌حال پریشان، یک‌جانبه‌گرا شده است. یک جناح هژمون در بلوک تاریخی داخل یک کشور و یک دولت هژمون در بلوک تاریخی بین دولت‌ها، باید پاسخ‌گو به منافع مؤتلفان خود نیز باشد و اگر منافع آنها را هم تأمین نکند، هژمونی خود را از دست می‌دهد. به‌طور مثال منطقه اروپا هرچند با ایالات متحده آمریکا تشکیل یک بلوک تاریخی را می‌دهد اما هژمونی اقتصادی مطلق آمریکا را (به‌طور مثال درباره ایران) برنمی‌تابد؛ چه رسد که به لحاظ سیاسی و فکری بخواهد تحت سلطه آمریکا باشد. ما با ماتریسی سیال از اِعمال هژمونی در جهان روبه‌رو هستیم نه آنکه سرمایه چون روح تاریخ هگلی بر جهان حکومت کند. پس هر تحلیلی باید این ماتریس را به کار بگیرد تا بتواند راه تحقق منافع ملت‌ها و جوامع و اقوام را بیابد. ما بر این امر واقفیم که به گفته مارکس سرمایه‌داری می‌خواهد هژمونی جهانی پیدا کند اما نحوه اعمال این هژمونی ثابت و واحد نیست. او در مانیفست می‌گفت: بورژوازی با توپخانه کالاهای ارزان، دیوارهای چین را فرومی‌ریزد اما اکنون این چین است با توپخانه کالاهای ارزان آمریکا را هدف گرفته است؛ به‌طوری‌که آمریکا می‌خواهد دور خود دیوار بکشد! در واقع چین و دیگر کشورها با استفاده از سرمایه و بازار مصرف آمریکا، در مقابل هژمونی آمریکا قد علم کرده‌اند. به‌این‌ترتیب نوعی جدید از جهانی‌شدن سرمایه‌داری در برابر اشکال گذشته آن رخ داده است که کشورهای پیرامونی خواهان آن ولی جناحی از بورژوازی آمریکا ضد آن شده است. در حقیقت بازی هژمونی، مانند رقابت‌های ورزشی، به این صورت که در یک بازی معین چه تیمی با چه آرایش و بازیکنانی پیروز شود یا شکست بخورد، همیشه در جریان است. هم چنان‌که در این مقطع تیم ایران، روسیه، ترکیه و دولت سوریه، در زمین سوریه بر تیم آمریکا، اسرائیل، عربستان و داعش (به‌خصوص بعد از خارج‌شدن اروپا از این تیم) پیروز شده است؛ آن‌هم درحالی‌که دولت‌های تیم برنده هریک در اعمال هژمونی و رعایت مصالح جوامع ملی و محلی خود مسائل بسیار دارند. بلوک‌های تاریخی با جایگاه‌های پیوسته متغیر دولت‌ها و جوامع له و علیه توسعه پایدار جوامع معین تشکیل می‌شود. مارکس در ایدئولوژی آلمانی می‌گوید تحلیل انتزاعی و فلسفی از دوران‌های تاریخی را جایگزین واقعیت نکنید اما تحلیل‌های ضعیف، یک‌بُعدی و انتزاعی، از زمره آنچه در ایران هم هست، واقعیتی هزارتو و هزار لایه را به روح سرمایه تقلیل داده و جامعه را به چالش رویاروی با این روح فرامی‌خوانند. بلوک هژمونی واقعیتی سیال است و درک آن جوامع ملی و محلی از بیماری‌های کودکی چپ و راست رها می‌کند و این امکان را می‌دهد که در «جنگ مواضع» به‌جای «جنگ رویاروی»، در فرایندی بسیار طولانی و بسیار دشوار، گام‌به‌گام منافع خود را تحقق بخشند. توسعه هنگامی میسر می‌شود که با تشخیص آرایش‌های سیال اجتماعی، اقتصادی و سیاسی در مناطق و جوامع ملی و محلی جهان و ارائه برنامه توسعه براساس‌آن یک بلوک تاریخی جایگزینِ بلوک‌های سلطه‌گر شود تا اراده جمعی را در جهت ایجاد تمدن والا انکشاف دهد.